

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: والری بورت (VALERY BURT)

برگردان: ا. م. شیری

۰۸ جون ۲۰۲۴

## از کسانی بپرسید که جنگیدند و ما در اِلبا را در آغوش گرفتند



از پیاده شدن نیروهای متفقین در نرماندی در ۸۰ سال قبل تا امروز

[ فرانسه جزو کشورهای پیروز جنگ جهانی دوم نبود. زیرا، پس از ۴۶ روز تسلیم المان نازی شد و تا آزادی پاریس توسط نیروهای متفقین در ۲۵ اگست ۱۹۴۴، فرانسوی‌ها با دم خود گردو می‌شکستند، شبه‌نظامیان فرانسه با سربازان نازی جفت‌گیری می‌کردند و به کمر متولدین از سربازان نازی شال افتخار می‌بستند... امسال، مکرون، این جاندار شبه‌انسان، همتای خود از هر نظر، دلقک- عروسک غرب، زلنسکی، رئیس شه فرموده رژیم کودتایی- فاشیستی اوکراین را به مراسم سالگرد فرود نرماندی دعوت کرده است.

فهرست مدت مقاومت کشورهای مختلف در برابر هجوم نازی‌های المان در پایان مقاله]- شیری

\*\*\*\*\*

این واقعه موسوم به عملیات «اورلرد» جای شایسته‌ای در کتاب‌های درسی تاریخ احراز کرده است. اما نه والاترین. نبردهای مسکو، ستالین‌گراد و اطراف کورسک، نقاط عطف اصلی جنگ جهانی دوم بودند. در دوره سخت اتحاد جماهیر شوروی، زمانی که ورماخت در حال پیشروی بود، ستالین برای گشودن جبهه دوم اصرار داشت. اما روزولت و چرچیل، رهبران آمریکا و انگلیس به بهانه‌های مختلف از انجام این کار طفره می‌رفتند. آن‌ها تنها زمانی که متوجه شدند ارتش شوروی بدون کمک متحدان قادر به در هم شکستن دشمن است، تصمیم گرفتند دست به حمله گسترده به رایش سوم بزنند. اما سپس...

اگر المان و متحدانش در سال ۱۹۴۴ در جبهه شرقی برتری استراتژیکی داشتند، ممکن بود رهبران غربی زمان گشایش جبهه دوم را طولانی‌تر کنند. اما ناوگان ستالین بی‌تزلزل به خاک المان نزدیک می‌شد و سربازان شجاع ارتش

سرخ بهترین واحدهای ورماخت و اساس را به رشته بی‌پایان صلیب‌های قبر تبدیل می‌کردند. روی این اصل، سیاستمداران در لندن و نیویورک با وحشت تصور می‌کردند، که ارتش سرخ پس از تسخیر رایش سوم، بیشتر به سمت اروپا هجوم خواهد برد و سراسر آن را با پرچم‌های سرخ و تصاویر رهبران اتحاد جماهیر شوروی پر خواهد کرد.

### بدین سبب، روزولت و چرچیل مجبور بودند عجله کنند...

در سحرگاه ۶ جون ۱۹۴۴، آسمان فراز اقیانوس اطلس را هواپیماهای متفقین پوشاندند و هزاران چترباز از آن‌ها فرود آمد. با کشتی‌های متعددی سربازان را برای کمک به آن‌ها به نرماندی رساندند. رگبار گلوله و آتشبار بمب بر سر مواضع المان باریدن گرفت.

فرود در نرماندی به یک «رکورد جهانی» مطلق تبدیل شد - هرگز در تاریخ چنین فرود بزرگی انجام نشده بود. ۲۳۹۵ فروند هواپیما و ۸۴۷ فروند هواپیمای بادپر در این عملیات شرکت کردند. در مجموع، ۲۴۴۲۴ چترباز در پشت خطوط دشمن المانی فرود آمد، ۵۶۷ وسیله نقلیه، ۳۶۲ توپخانه، ۱۸ تانک و ۳۶۰ تن محموله به آنجا گسیل شد. و همه این‌ها فقط در مرحله اول بود.

ضربات نیروهای انگلیس- امریکائی بسیار قوی بود. اما المانی‌های مدافع دیوار غربی نیز عقب نشینی نکردند. جنگ سخت دو روز ادامه یافت و هر دو طرف حق داشتند روی موفقیت خود حساب کنند. به هر حال، فرمانده نیروهای متفقین، جنرال امریکائی دوايت آیزنهاور، با وجود برتری متفقین - به لحاظ نیروی انسانی دو برابر و ۲۳ برابر در قدرت هوایی - اصلاً به پیروزی امید نداشت!

در هر صورت، او درخواست تجدیدنظری را تنظیم کرد که شامل جملات زیر بود: «فرود ما در منطقه «Cherbourg-Le Havre» به حفظ سر پل منجر نشد و من دستور عقب‌نشینی به نیروها دادم. اطلاعات دریافتی اساس تصمیم من برای حمله در این زمان و مکان بود. نیروها، نیروی هوایی و بحری وظایف خود را با شجاعت و از خود گذشتگی انجام دادند. اگر کسی مقصر شکست این تلاش باشد، فقط من هستم...».

اما چند روز بعد آیزنهاور نفس راحتی کشید. در نبرد نرماندی نقطه عطف پدیدار شد. سواحل فرانسه به معنای واقعی کلمه مملو از سربازان ائتلافی بود که در حال گسترش حمله موفقیت‌آمیز بودند. هیتلر که تا همین اواخر معتقد بود دیوار اقیانوس اطلس برای آنگلو ساکسون‌ها تسخیرناپذیر است، از خشم یقه درید و زنجیر پاره کرد...

اعلام آغاز عملیات «اورلرد» در مسکو با خوش‌بینی محتاطانه مورد استقبال قرار گرفت. در ۷ جون ۱۹۴۴، روزنامه پراودا در صفحه اول خود گزارشی از پیشرفت جنگ همراه با تصویر بزرگی از آیزنهاور در کنار آن منتشر کرد. با این حال، روزنامه‌نگاران و افراد نظامی از پیش‌بینی‌ها خودداری کردند، ظاهراً از نوعی غافلگیری شیطانی هیتلر هراس داشتند. شایع شده بود که المانی‌ها در حال اتمام کار بر روی ابرسلاح مخفی خود و در شرف استفاده از آن هستند. اما معلوم شد که این شایعات تخیلی هستند.

پس از آن، گزارش‌هایی بیش از پیش خوش‌بینانه‌تر از فرانسه می‌رسیدند و در ستون چهارم پراودا درج می‌شدند. طبیعتاً، رویدادهای جبهه شوروی و المان نکته اصلی برای خوانندگان روزنامه بود. در آن زمان، ترس از «آزیر سیاه» رادیو در بین شهروندان اتحاد جماهیر شوروی ناپدید شد و قلب آن‌ها از جمله‌آشنای «از دفتر اطلاعات شوروی...» دیگر نمی‌لرزید. ارتش سرخ دائماً در حال پیشروی بود و هر از چند گاهی به افتخار شهر تازه آزاد شده در مسکو مراسم آتش‌بازی برگزار می‌شد.

اما اتحاد جماهیر شوروی هرگز به اندازه سال ۱۹۴۱ یا ۱۹۴۲ انتظار کمک نظامی از متحدان نداشت. به عبارت دقیق‌تر، از انتظار خسته شده بودند... مردم - چه نظامی و چه غیرنظامی - گرسنه، به شوخی می‌گفتند: «بسیار خوب، آیا جبهه دوم را باز کنیم؟»، یک قوطی کنسرو دیگر امریکائی را هم با چاقو باز خواهیم کرد. گذشته از شوخی، متحدان کمک زیادی به اتحاد جماهیر شوروی کردند و این را نباید فراموش کرد. آن‌ها برای ما غذا، پوشاک، کفش، کامیون، اسلحه و خیلی چیزهای دیگر فرستادند. در دسامبر ۱۹۴۳، ستالین در ضیافت شام به مناسبت پایان موفقیت‌آمیز کنفرانس تهران، خطاب به روزولت تأکید کرد: «بدون کمک امریکا، ما نمی‌توانستیم دشمنان خود را شکست دهیم».

واقعاً هم، بدون کمک متحدان، در وهله اول، امریکا، جنگ کبیر میهنی طولانی‌تر می‌شد و خسارات سنگین‌تری هم متحمل می‌شدیم. این واقعیت را بسیاری از شخصیت‌های نظامی، از جمله، مارشال گئورگی ژوکوف تأیید کرد. اما متحدان نیز مدیون ارتش سرخ بودند. پس از این که ستالین از چرچیل در مورد پیشرفت موفقیت‌آمیز عملیات «اورلرد» تلگراف دریافت کرد، به وی اطلاع داد که «حمله تابستانی سربازان شوروی، که بر اساس توافق در کنفرانس تهران سازماندهی شده بود، تا اواسط جون در یکی از بخش‌های مهم جبهه آغاز خواهد شد». بزودی، مواضع و رماخت در بلاروس در اثر ضربات تندرآسای ارتش سرخ در هم شکست، و در نهایت با تارومار شدن یک گروه هزاران نفری المانی پایان یافت. در جولای ۱۹۴۴، ستونی متشکل از ۵۷ هزار اسیر المانی در خیابان‌های مسکو رژه رفت.

رایش سوم از دو طرف زیر ضربات پر قدرت قرار گرفت. این، پایان تمام توهامات هیتلر بود. یک کاریکاتور کوکرینیکسی که در پروادا منتشر شد، او را به شکل یک کفتار به تصویر کشید که سرش توسط تله شوروی له شده و یک شمشیر انگلیس-امریکائی به پشت آن فرو شده بود [کوکریینیکسی، سبکی در کاریکاتور و عنوان آن از نام سه کارکاتوریست مشهور اتحاد شوروی: پورفیری کریلوف، میخائیل کوریانوف. نیکولای سوکولوف مشتق شده است]. .. سالها گذشت. سالگرد فرود متفقین هر سال با شکوه جشن گرفته می‌شد، اما در آنجا، هر چه بیشتر و اساساً، بر عملیات نظامی انگلیس-امریکائی‌ها در غرب تأکید می‌شد و قهرمانی‌های اتحاد جماهیر شوروی تحقیر می‌شد. بدین منوال، تاریخ تکه تکه شد؛ باز نویسی شد و تحریف گردید.

کار به جایی رسید که گویا امریکا و انگلیس در جنگ جهانی دوم پیروز شدند و اتحاد جماهیر شوروی فقط کمی به آن‌ها کمک کرد.

با این حال، در جشن‌های سال گذشته در نرماندی، به هیچ وجه نامی از اتحاد جماهیر شوروی برده نشد! لوید آستین، رئیس پنتاگون، از عملیات فرود به عنوان مهمترین رویداد جنگ جهانی دوم یاد کرد و گفت: «بگفته روزولت، جوانانی از امریکا، انگلیس، استرالیا، کانادا، فرانسه و سایر کشورها متحد شدند تا بشریت ستمدیده را آزاد کنند».

هنوز در غرب افرادی زنده هستند که جریان جنگ جهانی دوم را به یاد دارند. آن‌ها قهرمانی‌های سربازان ارتش سرخ اتحاد شوروی را که در نزدیکی مسکو، در ستالینگراد و در تپه‌های اطراف کورسک جنگیدند، به خاطر دارند. آن‌ها به یاد دارند که چه کسانی اوکراین، بلاروس، پولند، چکسلواکی، اتریش را آزاد کردند و به برلین یورش بردند. اما وقتی که آن‌ها از دنیا بروند، تاریخ کاملاً نادرست به نظر خواهد رسید. جوانان کشورهای مختلف مطمئن خواهند شد که بشریت را امریکائی‌ها، انگلیس‌ها، کانادائی‌ها، استرالیائی‌ها و نیوزلندی‌ها [آنگلوساکسون‌ها- مشوقان جنگ نازی‌ها علیه اتحاد شوروی] از دست نازیسم نجات دادند. آخ بله، فرانسوی‌ها هم...

در هشتادمین سالگرد نورماندی، بایدن، رئیس جمهور امریکا، از «۷۳۰۰۰ امریکائی شجاع» که در فرود متفقین شرکت کردند تا «راه را برای آزادی فرانسه و اروپا هموار کنند»، یاد کرد. اما سهم کشور ما باز هم مسکوت ماند. اکنون روسیه و کشورهای غربی رو در روی همدیگر ایستاده‌اند. اما در سال ۴۴ این قدرت‌ها متحدانه با یک دشمن مشترک می‌جنگیدند و واقعیت‌های مرتبط با آن انکارناپذیر است. چرا باید آن‌ها را با فراموش‌کاری شیطانی تحریف کرد؟..

جشن نورماندی را فرانسه سازماندهی می‌کند که فقط به طور رسمی در فهرست پیروزمندان جنگ جهانی دوم قرار گرفت. نام این کشور نه به خاطر شجاعت ارتش آن، بلکه به دلیل موفقیت‌های ارتش سرخ و رأفت چرچیل، روزولت و ستالین در لیست پیروزمندان ثبت شد.

با این حال، اکنون مکرون، رهبر جمهوری پنجم، چنان غوغا به پا می‌کند و سینه جلو می‌دهد، که انگار کشورش نقش مهمی در شکست نازیسم داشته است. اما، فقط ساده لوح‌ترین‌های بیخبر از تاریخ می‌توانند این ادعا را باور کنند. در سال ۱۹۴۰، فرانسوی‌ها کشور خود را براحتی به اشغالگران تسلیم کردند؛ به آغوش آن‌ها هجوم بردند؛ با نازی‌ها همکاری کردند؛ یهودیان و پارتیزان‌ها را دستگیر می‌کردند و به آن‌ها تحویل می‌دادند. البته بی‌دلیل نبود که اشغال فرانسه توسط المان را «آسودگی» نامیدند. مردم فرانسه در کشور تفریح می‌کردند؛ شراب می‌نوشیدند؛ عشق می‌کردند؛ زاد و ولد می‌کردند و به کمر مولدان از پدران نازی شال افتخار می‌بستند. دوره طاعون [فاشیزم]، یک جشن واقعی در فرانسه بود!

حیرت‌انگیز است، که بسیاری از فرانسوی‌ها به پیروزی متفقین اصلاً علاقه‌مند نبودند! در تابستان سال ۱۹۴۴، المانی‌ها اسرای انگلیس و امریکائی دستگیرشده در جریان فرود نورماندی را در پاریس به راهپیمائی واداشتند. مردم پاریس نه تنها از آن‌ها استقبال نکردند، بلکه به عکس، آن‌ها را مورد توهین و هتک‌حرمت قرار دادند؛ موهایشان را کشیدند؛ کتک زدند! این کارناوال در فلم‌های خبری ضبط شده است...

این مکرون خیلی مشتاق تاریخ‌سازی است. به همین دلیل، حضور هیأت روسی در این سالگرد را مطلوب نمی‌داند. این دیگر به یک سنت زشت تبدیل شده است که به رغم قهرمانی‌های شگفت‌انگیز روسیه در جنگ جهانی دوم، بدون حضور هیأت نمایندگی آن برگزار می‌شود. سنت‌ها فراموش می‌شوند، خاطرات پایمال می‌گردند. هیچ کس دیگر این ترانه سرود قدیمی را نمی‌خواند: «از کسانی بپرسید که جنگیدند و ما را در آغوش گرفتند...».

سالگرد دیگری در نورماندی پیش‌بینی می‌شود – در آنجا مکرون احتمالاً اعزام ارتش فرانسه به اوکراین را اعلام خواهد کرد. اگر این اعلان جنگ علیه روسیه نباشد، پس چیست؟

به هر حال، غرب عملیات نظامی علیه کشور ما را همیشه در چون آغاز کرده است – همانطور که ناپلئون و هیتلر کردند و حالا نوبت مکرون است. تاریخ بار دیگر در گره محکم تنیده شده است...

برگرفته از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

### ضمیمه

مدت مقاومت کشورها در برابر هجوم المان نازی در جنگ جهانی دوم:

ناروی- ۶۱ روز، شکست؛ فرانسه- ۴۶ روز، شکست و تسلیم خفت‌بار تا ۲۵ اگست ۱۹۴۴؛ پولند- ۳۵ روز، شکست سنگین، فرمانداری پنجم المان تا آزادی توسط سربازان ارتش سرخ کارگران و دهقانان شوروی؛ یونان- ۲۴ روز، شکست؛ بلجیم- ۱۸ روز، شکست؛ - ۱۸ روز، شکست؛ هلند- ۷ روز، شکست؛ لوکزامبورگ- ۱ روز، شکست؛ دنمارک- ۶ ساعت، شکست؛ شهر قهرمان لنینگراد- ۲ سال و ۴ ماه و ۲۰ روز، پیروزی شگفت‌انگیز و

بالاخره، اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی - ۱۴۱۸ روز، پیروزی تاریخ‌ساز و نجات بشریت (حداقل به مدت چهار دهه) از شر طاعون قهوه‌نی - فاشیزم سرمایه‌داری!  
۱۸ خرداد - جوزا ۱۴۰۳